

سرعت خط تولید، فشارکاری زیادی احساس می‌کند؟

● کارگر به دلیل بروز مسائل روحی ناشی از عدم مطابقت، احساس عدم استقلال می‌کند.

۳ - **حالاتی که نیروی انسانی با استعدادتر از ماشین آلات هستند**

● نسبت به نور و صدا و بو، با استعدادتر از ماشین آلات هستند؛

● تجزیه و تحلیل ذهنی نور، صدا و بو را دقیق‌تر انجام می‌دهند؛

● انعطاف‌پذیر بوده و در یک لحظه قادر به تغییر روش هستند؛

● اطلاعات موردنیاز را برای مقاطع مختلف زمانی ثبت، و در زمانهای موردنیاز استفاده می‌کند؛

● قدرت تفکر، تدبیر و پیشنهاد کردن را دارند؛
● با انجام مطالعه و استفاده از تجارب دیگران، اقدام به ایجاد روش می‌کند.

۴ - **مواردی که ماشین آلات برتر از نیروی انسانی تلقی می‌گردند**

● نسبت به علامت‌ها و خطرات و یا کنترل‌کننده، با سرعت واکنش نشان می‌دهند؛

● نیروی زیادی دارند که با نظم و به ترتیب برنامه ارائه شده کارها را انجام می‌دهند؛

● تکرار یکسری عملیات را به راحتی به مرحله اجرا می‌گذارند؛

● دریافت اطلاعات، از بین بردن حافظه و جایگزین کردن اطلاعات جدید را به راحتی به اجرا درمی‌آورند؛

● محاسبه را به سرعت انجام می‌دهند؛
● در یک لحظه قادرند، عملیات متفاوتی را انجام دهند.

نتیجه‌گیری

باتوجه به موارد فوق این سوال برای صنایع مطرح است که آیا ماشین‌آلات هزینه کمتری دارند یا نیروی انسانی؟

هزینه‌های نیروی انسانی در اکثر محالک، بسیار بالاست، به این جهت با ساختن انواع ماشین‌آلات و روباتها، درصددند مشکلات کارگری و هزینه دستمزد را کاهش دهند. ولی باید توجه داشت که ساخت انواع ماشین‌آلات و یا واردات آن نیز، درنهایت به نیروی انسانی متکی است، به هر حال ارزیابی و استفاده از ماشین‌آلات و یا نیروی انسانی در صنایع، امری بسیار مهم تلقی می‌شود. □

مسائل کارگری

در

خطوط مونتاژ

سعید هرندی فصیح

مشخص، کارگر تصور می‌کند که درانجام کار خود متخصص شده و درنتیجه امکانات بیشتری را می‌طلبد که درصورت عدم ارائه آنها، محل کار خود را ترک می‌کند؛

● افزایش هزینه‌های استخدامی (استخدامهای جدید) باعث افت مرغوبیت و حجم تولید می‌گردد.

۲ - **از دید کارکنان بعد مثبت**

● کارآموزی بسیار ساده است و کارآموز امید دارد، با افزایش فراگیری امکانات بیشتری را به دست آورد؛

● فعالیتها در زمان نسبتاً کوتاهی به صورت اتوماتیک و هماهنگ، دور از مسائل و مشکلات ذهنی درمی‌آید؛

● چون فعالیتها ساده گردیده است، کارگران با این تصور که دارای مهارت زیادی هستند، در انجام کارها دقت کمتری از خود نشان می‌دهند و با پیدایش زمان اضافی به علت کاهش صرف وقت و عدم دقت در خط مونتاژ روابط دوستانه زیادی در بین کارکنان پدید می‌آید؛

● کارگر برای خود، اقدام به هماهنگی بین فعالیتهای کاری، نیروی مصرفی، استعداد و دستمزد می‌کند.

بعد منفی

● کارگر سهل‌انگار، سریعاً قابل شناسایی است؛
● کارگر در خود، افزایش مهارت و ارتقا شغلی نمی‌بیند، زیرا به صورت مداوم، مجبور به تکرار انجام کاری یکنواخت است؛

● کارگر، به دلیل سهولت تعلیم و فراگیری شغل خود احساس امنیت شغلی نمی‌کند، زیرا امکان دارد به راحتی فرد دیگری جایگزین وی شود؛
● کارگر، به دلیل عدم مطابقت راندمان خود با

در خطوط مونتاژ، تقسیم کار، تخصصی شدن کار و استاندارد کردن محصول از نظر کارگران مسائلی را به دنبال دارد. در این‌گونه خطوط، به دلیل پایین نگاهداشتن سطح مصرف زمان عملیات، فعالیتها به اجزا کوچکتری تبدیل می‌گردند و طبیعی است که کارکنان به صورت مداوم، کارها را به صورت تکراری انجام می‌دهند. این موضوع باعث بروز یکسری حساسیتها می‌گردد. زیرا انجام کاری مشخص و تکراری پس از گذشت مدت زمانی، درنظر کارگر ساده جلوه می‌کند این مساله از دو بعد مثبت و منفی قابل بررسی است:

۱ - **مسائل کارگری از دید کارفرما بعد مثبت**

● کارگر با یک محدودیت ذهنی و ابتکاری وارد کار می‌شود؛

● فراگیری تعلیم و وظایف عملیاتی در حداقل زمان صورت می‌پذیرد؛

● بازار کارگری وسعت می‌یابد؛

● انتقال کارگر به خط تولید در حداقل زمان امکان‌پذیر است؛

● راندمان کاری به دلیل جلوگیری از انجام تردد و حرکات اضافی افزایش می‌یابد؛

● میزان آزمایش و کنترل‌های لازم افزایش می‌یابد.

بعد منفی

● به دلیل سهولت فعالیتها برای کارگران، امکان بروز بیکاری در هر ایستگاه وجود دارد؛

● ایجاد تعادل بین راندمان نسبی عملیات و زمان مصرفی عملیات، مشکل است؛

● به علت فراگیری سریع و عدم ارائه امکانات بعدی به کارگر، احتمال کاهش نیروی انسانی وجود دارد (به دلیل انجام کارهای تکراری و